**بخشی از روش فکری و عملی شوراهای کارگران و مزدبگیران**

**در تغییر روابط و مناسبات سیستم سرمایه داری در ایران**

اما شوراها، کارگران و مزدبگیران با چه روش فکری و با چه ابزار و وسائلی، روند تغییرِ روابط و مناسبات امکان‌پذیر ساخته، و پیش می برد؟ تجارب جنبش کارگری به ما آموخته است، که کارگران و مزدبگیران، حین مبارزه‌ی ِ موجود را طبقاتی برای تغییرِ روابط و مناسبات تولیدیِ سرمایه‌داری، که به یک رابطه‌ی اجتماعی تبدیل شده است، به ابزارهای عملی و روش‌های فکریِ مختلفی دست یافته و آن­ها را تجربه می­کنند. مجمع عمومی، دموکراسی از پایین و سازمان‌یابی شوراها، از روش­های فکری و عملی این جنبش است. این جنبش مجهز به ابزارهای مختلفِ مجازی، مثل زوم، کلاب هاس، و هم­چنین ابزارهای دیگری­ست که بر مسئله‌ی فرهنگ، ادبیات و آموزش، و اندیشه­ورزیِ جامعه تأثیر می­گذارد؛ ابزارهایی مانند مراکز سینمایی، تأتر، مراکز موسیقی، رادیو و تلویزیون، رسانه‌ها و مراکزی از این قبیل. تاریخ مبارزه‌ی طبقاتی گویای آن است که حزب، یا سازمان‌هایی که مملو از انقلابیون حرفه­ای هستند، ناتوانی و بی­کفایتی خود را در عرصه­های مختلف مبارزه‌ی طبقاتی نشان داده­اند. این سازمان­ها نمی­توانند جزئی از ابزارها‌ی مبارزه‌ی کارگران و مزدبگیران باشند. احزاب و سازمان‌های چپ، ابزار و وسايل ایدئولوژی‌های نیابتی هستند. آنها نماینده‌ی بنیادیِ ایدئولوگ‌ها‌ی قشرِ خودی هستند و ایدئولوژی قشریِ خود را نمایندگی می­کنند. شوراهای کارگران و مزدبگیران، از خودِ جنبشِ مزدبگیران هستند، و خودشان را که از اکثریت جامعه تشکیل شده‌اند، نمایندگی می کنند. نظریه‌ی سوسیالیسم و مارکسیسم، از جنبش مبارزاتی کارگران و مزدبگیران بر علیه جامعه‌ی سرمایه داری و تغییر آن، شکل گرفته است. بنا براین مارکسیسم و سوسیالیسم، ایدئولوژی نیست، بلکه یک نوع نگرش‌ و شیوه برای تغییر جامعه‌ی سرمایه داری،  رد و نفی کارمزدی و استثمار فرد از فرد است. انقلابیون حرفه­ای که در احزاب و سازمان‌های چپ فعالیت می­کنند، بیشتر ضد دیکتاتور، و ضد استبداد هستند، و نزدیکیِ کمتری به سیوسیالیسم یا کمونیسم دارند. آن‌ها بدون اینکه از طرف کارگران انتخاب شده باشند، در دفاع از حقوق کارگران و مزدبگیران پای می­فشارند. آن­ها، بجای اینکه در کنارِ ما، و با ما علیه سرمایه مبارزه کنند، نماینده­ی نیابتی ما می­شوند، بی­آنکه از ما پرسیده باشند.، حزب و سازمان تشکیل می­دهند و  به نمایندگی از ما، به مبارزه با حاکمیت و سیستم می پردازند.‌ و غافل از این­اند، که جنبش کارگری، فقط زمانی می­تواند خود را از بند کارمزدی رها کند که سازمان‌یابی­اش را خودش ایجاد کرده، و یا ساخته باشد. تاریخ جنبش کارگری گویای آن­ست، که این جنبش در روند مبارزه بر علیه سرمایه، شوراهای سراسری خود را برای تغییر وضعیت خود، و کل جامعه بنیان گذارده است. و این امر بیانگر ضرورت تشکیل شوراهای کارگران و مزدبگیران می­باشد. سازمان‌یابی شورایی، مهم­ترین روش دموکراسی از پایین است، که حین مبارزه‌ی عملی بر ضد سرمایه داری، در افکار و اعمال کارگران و مزدبگیران بهینه شده، و شکل می گیرد. این سازمان‌یابی، افقی و بدون هیرارشی یا سلسله‌مراتبی­ست. همچنین تجربه نشان داده است که این سازمان‌یابی متشکل‌ از تیم‌های مختلف ‌کاری‌­ست، که عبارتند از: تیم کاری در اموراقتصاد داخلی و خارجیِ یک کارخانه، مؤسسه، یک محله، یک منطقه و یک کشور. بنا بر این جنبش شورایی برای حاکمیت خود بر جامعه، حداقل به تیم های کاریِ زیر نیاز دارد، و اعضا تیم­ها از سوی مجمع عمومی تعیین و انتخاب می­شوند: تیمِ کاری برای بررسی اقتصادی، بررسی امورمالی، امور خرید و فروش، استخدام و جایگاه کاری،  امور رتبه بندی و سامان یابی در روند تولید، امور گسترش ارتباطات بین شاخه‌های مختلف تولیدی و شورای محلات ( در اینجا نیازها و ضرورت تولید و بارآوری تولید و جوانب آن مورد نظر است)، امور ارتباطات، ایجاد شورای سراسری در امور کشوری، و هم­چنین جهت پاسخ­گویی به نیازهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، آموزشی و اجتماعی. لازم به اشاره است که در تشکیل کلیه‌ی تیم‌های کاری، متشکل از کارگران و مزدبگیران، همه‌ی انسان‌ها، صرف­نظر از جنسیت،  قومیت، و رنگِ پوست می­توانند سهیم باشند. تیم‌های کاری به تناسبِ جمعیت مزدبگیران ایجاد شده و متشکل از حد اقل سه نفر می­باشد، و با رشد و تکامل جامعه و بنا به ضروریات و نیازهای نوین، گسترش می­یابند. روشن است که سیاست اقتصادی، فرهنگی، و سیاست داخلی و خارجیِ جامعه‌ی شورایی، از پایین و از طریق مجمع عمومی شوراهای کارگران و مزدبگیران تعیین می­شود.

**پیش به سوی ایجاد شوراهای کارگران ومزدبگیران ضد سرمایه داری**

**زنده باد حاکمیت شوراهای کارگران و مزدبگیران**

علی برومند - تیرماه 1403